



۲۰۱۷/۰۳/۲۲



انجینر عبدالصبور صافی

ضعف شخصیتی و صلاحیتی مشکل اساسی در حکومت وحدت ملی

مشخصه های معین چون تفکر، هیجان، روش و رفتار که سبک شخصی فرد را در تعاملات با محیط اجتماعی و مادی آن رقم میزند شامل فاکتورهای معین ثبات، پایداری، زود رنجی، اضطراب، پرحرفی، درونگرایی، بیرونگرایی و غیره میشود که در تعین شخصیت انسانها رول اساسی دارد به این اساس میتوان شخصیت را چنین تعریف کرد، مجموعه ای از رفتار و شیوه های تفکر شخص در زندگی روزمره که بطور خاص با بی همتا بودن، ثبات و پایداری و قابلیت پیش بینی مشخص می شود شخصیت گفته میشود.

انسانها زاده محیط اند که با خصوصیت های ژنتیکی خاصی به دنیا می آیند، بعداً سر و کار آنها با محیط اطراف شان است. محیط نقش مهمی در شکل دهی شخصیت افراد دارد آنچه در دنیای امروز تأکید بیشتری بروی آن میشود این است که تأثیر پذیری انسان ها از محیط بسیار قوی تر از تأثیر ژنتیکی است، پس باید توجه بیشتر به محیط داشت به وجود آوردن یک محیط سالم مستلزم روش های خاص انسانی در چوکات قانون است که ارج گذاشتن به انسان و انسانیت و ارج گذاشتن به قانون از همان آغاز طفلیت از کودکی شروع تا پایان عمر قابل عمل، آموزش و اجراء است.

«گوردن آلپورت» روانشناس مشهور امریکایی بهترین تعریف در مورد شخصیت ارائه داده است. وی اشاره می کند شخصیت، سازمان بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام های روانی - فیزیکی که رفتار و تفکر انسان را تعیین می کند میشود، از این تعاریف چندین نکته قابل استنباط است.

- **بی همتایی و تفاوت:** شخصیت یک فرد بی همتاست با وجود بعضی مشابهت ها هیچ دوشخصیت یکسان و همسان وجود ندارد.
 - **ثبات و پایداری داشتن:** اگر چه افراد در شرایط و محیط های گوناگون در ظاهر رفتار متضاد و مختلفی دارند، ولی در طول زمان حتی چندین دهه رفتار، عکس العمل و همچنین شیوه تفکر آنها دارای یک ثبات نسبی دائمی میباشد.
 - **قابلیت پیش بینی:** با توجه و مطالعه رفتار و نوع تفکر اشخاص می توان سبک رفتاری و تفکری افراد را با احتمال زیاد پیش بینی کرد، قابلیت پیش بینی رفتار، با ثبات در رفتار رابطه متقابل دارد، شخصیت مجموعه ای از عناصر است که بعنوان یک نظام بایکدیگر در رابطه میباشند.
- شخصیت میتواند سازگار و یا ناسازگار باشد ولی ناسازگاری زمانی مطرح میگردد که فرد یا افراد قادر نباشند تفکر و رفتار خود را با محیط و تغییرات آن انطباق دهند و قدرت انعطاف پذیری از خود نظر به شرایط، اوضاع و احوال نشان دهند، انعطاف پذیری همیشه به مفهوم گذشت از خواستها نیست بلکه انعطاف به سمت صراط المستقیم هم شامل آن میشود و انسان از گذشت های زیاد ممکن است به طرف بربادی برود وقتی شخص متوجه این خلا میگردد باید خود به سمت دیگر که بتواند این خلا را پر کند معطوف شود در غیر این صورت انعطاف زیاد میتواند باعث شکستن، هم پاشیدن، انارشی و بی ثباتی در نظام خانواده، اجتماع حتی زندگی شخصی فرد و یا ملت گردد.

صلاحیت کاری:

صلاحیت در لغات بمعنی شایستگی، لیاقت، و اهلیت معنی میشود، اختیار که قانون برای شخص میدهد و به موجب آن به مسئله ای و یا دعوی رسیدگی میگردد و یا بعبارت دیگر شایستگی قانونی یک شخص و یا ارگان دولتی برای رسیدگی

به قضایای خاص در اصطلاح حقوقی صلاحیت نامیده میشود، که شامل صلاحیت سایر حرفه ها هم میشود، یعنی مجموعه ای از شایستگی ها شامل فهم و دانش، شخصیت و کرکتر، مهارت حرفوی و طرز دید که به تناسب هر شغل یا حرفه تعیین و توسط فرد در پروسه های مختلف وظیفوی بکار گرفته میشود؛ صلاحیت کاری است، مجموعه این صلاحیت ها، نظام صلاحیت حرفوی گفته میشود، عناصر و پروسه های لازم در این نظام برای تحقق سیاست ها، خط مشی ها به منظور کسب اعتبار دهی صلاحیت حرفوی نیروها بکار گرفته میشود که شامل روش ها و معیارهای احراز سطوح صلاحیت حرفوی نیروی انسانی در بخش های مختلف صنعت، اقتصاد، تجارت خدمات زراعتی، فرهنگ، هنر، امور امنیتی و نظامی میگردد.

قانون مداری و داشتن یک مشاور ورزیده ای حقوقی که تمام فیصله های یک سیاست مدار را مشوره دهد و آن را بشکل پایدار در پرتو قانون و لوایح سیاسی شکل داده به پارلمان ارایه کند امر لازمست، به قول آقای «ملک ستیز» محقق امورسیاسی و بین المللی، ((صدراعظم آلمان که از کمترین و مستعد ترین مشاوران در سطح رهبران بزرگ جهان برخوردار است یکی از با صلاحیت ترین نخست وزیر در جهان امروز به حساب میاید، محکم ترین پشتوانه صلاحیت نخست وزیر آلمان، خانم «انگیلا مرکل»، قانونمداری وی است نخست وزیر هیچگاه فیصله هایی را که در قانون تفسیر نشده و یا لوایح سیاسی که بر بنیاد قوانین شکل گرفته باشند، مشروعیت نداشته باشد اتخاذ نمیکند با صلاحیت بودن نخست وزیر آلمان به معنای قدرت شخصی وی نیست، بلکه اقتدار شخصیتی وی است که در قوانین این کشور تعریف شده است. صلاحیت به معنی تحمل قدرت نیست، صلاحیت بمعنی تحمل اقتدار قانونی در ساختارهای نظام است)).

با تاسف در افغانستان با وجودی که قوانین وجود دارد، ولی نقض قوانین در قدم نخست از طبقه بالا شخص داکتر غنی و داکتر عبدالله عبدالله صورت میگیرد، نقض قانون و نبود شایستگی و لیاقت در مقامات دولتی، باعث بحران های سیاسی عمیق و بزرگ در کشور ما شده است، کشمکش ها میان جنرال دوستم و رئیس جمهور، نارضایتی احمدضیاء مسعود، شکوه داکتر عبدالله از نقض توافق نامه سیاسی و سلب صلاحیت از مقام های شان، کشمکش سیاسی بین عطا محمد نورو رئیس اجرائیه داکتر عبدالله را میتوان ضعف شایستگی نام برد، مسئله در آن نیست که این نارضایتی ها چرا شکل گرفته مسئله اینست که کم بها دادن قانون عدول از چوکات صلاحیت ها، خواستها بی مورد و جا طلبی ها بحران را به وجود آورده است اینکه آیا رئیس جمهوری با وجود موجب شدن این نارضایتی ها با وجود داشتن صلاحیت، نتوانسته است اهداف معقول و قانونمند را که از تطبیق قانون یک گام معقول به سمت بهبود وضعیت سیاسی و اداری کشور که به نفع ملت باشد دستاورد ارزنده ای داشته باشد!

آیا داکتر عبدالله عبدالله واقعاً بی صلاحیت است؟

در این جای شک نیست که داکتر عبدالله عبدالله فاقد صلاحیت کاری و اجرائیوی است باید گفت که این عدم صلاحیت به معنی آن نیست که گویا داکتر اشرف غنی صلاحیت های داکتر عبدالله را صلب کرده بلکه این ناشی از عدم داشتن یک انسپاتیف، خلاقیت و ابتکار ارزنده عمل در طرز و شیوه فهم مسلکی و مدیریتی داکتر عبدالله است که نتوانسته با صلاحیت عمل کند، اگر به کارکرد داکتر عبدالله در این دو نیم سال حکومت وحدت ملی نگاه کنیم می یابیم که وی جز دعوی کرسی و ۵۰٪ توافق نامه «جان کری» هیچ گونه ابتکار و پیشنهاد کاری که جهت بهبود در وضعیت امنیتی و اقتصادی کشور که یک تغییر را در زندگی مردم رونما کند نداشته است، زمانیکه داکتر عبدالله وزیر خارجه حکومت کرزی بود آن زمان از صلاحیت کامل هم برخوردار بود، باتأسف که آن وقت هم هیچ دست آورد کاری نداشت، شاید بگوئید که آنوقت هم صلاحیت نداشته ولی واقعیت را نمیتوان دگرگون ویا کتمان کرد.

آقای «حبیب» مشاور داکتر عبدالله عبدالله حین صحبت در میزگرد با تلویزیون آریانا شب ۱۳ مارچ سال روان گفت که داکتر عبدالله در امور کشوری بخصوص در ساحه ای نظامی و امنیتی اصلاً به صورت قطع صلاحیت ندارد و همه صلاحیت ها بدست سر قومندان اعلاء کشور داکتر اشرف غنی است، همچنان داکتر عبدالله شخصاً هم از بی صلاحیت بودن خود در یک صحبت تلویزیونی کاملاً آشکارا شکایت کرد بود حتی داکتر غنی را در آن صحبت شخص بی حوصله خطاب کرد، بسیاری از رسانه هم بطور یک جانبه بدون در نظر داشت منافع ملی کشور داکتر عبدالله

د پانو شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

را در بحران فعلی سیاسی و امنیتی کشور بی قصور و فاقد صلاحیت می دانند درحالیکه این یک بازی سیاسی است که از تعصب قومی و زبانی منشأ میگیرد و این تلاشها فقد بخاطر پنهان کردن رد پای داکتر عبدالله و طرفداران اش در اوضاع آشفته و روبه خرابی کشور است، تا در انتخابات آینده دست بالا داشته باشند و ناکامی های وی در حکومت وحدت ملی بالای انتخابات آینده تأثیر نگذارد، در این جا توجه همه خوانندگان و رسانه ها را به فاکت های ذیل جلب میکنم که از با صلاحیت بودن داکتر عبدالله حکایت دارد لطفاً توجه کنید:

- ۱- زمانیکه داکتر اشرف غنی جنرال محمدافضل لودین را منحنی وزیر دفاع کاندید کردند این داکتر عبدالله عبدالله بود که با وی مخالفت کرد و جنرال لودین مجبوراً پا پس کشید.
- ۲- در تعیین شکریره بارکزی منحنی رئیس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی آیا داکتر عبدالله عبدالله نبود که اشکارا مخالفت اش را اعلان کرد و شکریره مجبور به کناره گیری از آن مقام شد!!
- ۳- این داکتر عبدالله عبدالله بود که جنرال عبدالحق علومی وزیر داخله را وادار به استعفاء ساخت و در عوض شخص بی کفایت، بی سواد، فاقد تحصیلات نظامی بنام تاج محمد جاهد را پیشنهاد و بالای داکتر غنی هم قبولانده و جانشین جنرال علومی ساخت.
- ۴- فرمان ریاست جمهوری مبنی بر تعیین نادر نادری به عنوان رئیس کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی از سوی داکتر عبدالله شش ماه معلق ماند بلاخره داکتر غنی مجبور شد معینیت نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ را در بدل انتصاب آقای نادری به تیم داکتر عبدالله عبدالله بدهد .
- ۵- عبدالباری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ چرا استعفاء داد؟ چون کارکردن برای او بدون حمایت ریاست جمهوری کار دشوار بود و داکتر غنی صلاحیت دفاع از وی را در برابر اعتراضات طرفداران عبدالله عبدالله نداشت.

این چند فاکت بسیار ساده که طور مختصر از آن یاد کردم نشان دهنده ای صلاحیت کامل و بلامناز عه داکتر عبدالله عبدالله را تصدیق میکند، در هر صورت داکتر عبدالله ۵۰٪ خود را گرفته و میگیرد و بالای تعینات داکتر غنی هم اثرگذاری خود را دارد با وجود اینکه وزارت دفاع به داکتر غنی رسیده است ولی غنی نتوانست جنرال لودین و یا یک جنرال دیگر دلخواه خود را وزیر دفاع تعیین کند زیرا نظر عبدالله شرط اساسی است، درحالیکه داکتر غنی ۲۰٪ سهم دارد چون در ۵۰٪ داکتر غنی، جنرال دوستم، دانش، و ضیامسعود نیز شامل اند، در واقعیت امر داکتر عبدالله ۶۰٪ در دولت سهم دارد چون ضیامسعود به جمعیت تعلق دار و جمعیت اسلامی از داکتر عبدالله حمایت میکند پس ۱۰٪ سهم ضیامسعود نیز به شکل از اشکال به عبدالله عبدالله تعلق میگیرد، پس بی صلاحیت جلوه دادن داکتر عبدالله عبدالله یعنی چه؟؟؟

یعنی شانه خالی کردن از پذیرش مسئولیت خرابی اوضاع و مسئولیت های امنیتی کشور، صرف تلاش است برای از دست نه دادن محبوبیت در انتخابات آینده و انداختن همه بار ملامت بدوش داکتر غنی جهت شکست وی در انتخابات آینده و اجرای امور جاری، درحالیکه داکتر غنی از این بازی ماهرانه یا بی خبر است و یا درمقابل با آن ناتوان، با وجود اینکه وزارت اطلاعات و فرهنگ مربوط داکتر غنی است ولی این وزارت عملاً فلج بوده و مسئولین آن صرف کرسی خود را نگاه میدارند چون که داکتر غنی توان حمایت از اتهام های که طرفداران داکتر عبدالله عبدالله و جامعه بنام مدنی بالای آن وارد میکند را ندارد، از ترس غوغا و تهمت های تیم داکتر عبدالله که مدافعین ترویج فرهنگ ایرانی اند و همچنان جامعه مدنی و ژورنالستان که خود را مثل ملانک پاک میدانند اصلاً هیچ کمبود را در کار خود نمیپذیرند و نمیگذارند مگس روی بینی شان پر بزند، درحالیکه یک فاکتور عمده در خرابی اوضاع کشور نشرات و تبلیغات تخریبکارانه مغرضانه به نفع گروه های خاص دامن زدن به تعصبات قومی، مذهبی و لسانی یکجده همین ژورنالستان و رسانه ها هستند.

آیا داکتر غنی واقعاً با صلاحیت عمل میکند؟

هیچکس از این انکار کرده نمیتواند که داکتر اشرف غنی دست پاک دارد با فهم و بادانش است و آرزوی خدمت و شگوفایی کشور را صادقانه دارد ولی قسمیکه در فوق ذکر شد داکتر غنی در یک بازی ماهرانه که از طرف تیم داکتر عبدالله و جمعیت

د پانو شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

اسلامی براه انداخته شده گیر کرده است، هر روز بار ملامت خرابی اوضاع بدوش داکتر غنی سنگینی میکند، در حالیکه همه ملت داکتر غنی را مقصر اصلی در آوردن صلح و امنیت، زدودن فساد و بی عدالتی میدانند، ولی از داکتر عبدالله به صورت قطع نه در رسانه ها نامبرده میشود و نه هم در بین مردم مقصر شناخته میشود، با وجود که داکتر غنی دست پاک دارد و آغشته به خون ملت هم نمی باشد در ظرف این تقریباً دوسال ونیم نتوانست شخصیت اش را منحیث یک سیاستمدار کار آگاه و خبره تبار زدهد داکتر غنی میخواهد چنین نمایان کند که انسان با حوصله و برده بار است ولی حوصله مندی و برده باری هم سرحد دارد، تصور بر آن است که ترس و جبن بکار و عمل کرد داکتر غنی مستولی است و این راهمه می دانند، طور نمونه زمانیکه خبرنگاری بی سی «هارون نجفیزاده» از داکتر غنی سؤال میکند که، آیا شما خود را افغان میدانید؛ داکتر غنی در جواب میگوید «لطفاً مرا مصادف نسازید»، وقتی شخص از بیان هویت واقعی اش هراس داشته باشد پس جبن بیش از این وجود ندارد، شورای ملی ۷ وزیر را استحضاً کرده بر طرف کردند ولی داکتر غنی برخلاف قانون؛ توان تأیید فیصله شورای ملی را ندارد، البته چنین مثالها از ساده شروع تا رد فرامین داکتر غنی توسط ریاست اجرائیه بسیار زیاد اند، صرف حرف زدن و هرکار را نیمه رها کردن باعث آن شده و میشود که هیچ نوع ثبات در اوضاع سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور رو نما نگرند، داکتر اشرف غنی خود را درگرو یک گروه مشخص آویخته، با تأسف که داکتر غنی فرصت های بیشمار را بخاطر مهار کردن گروه های اوباش مربوط یکعده تنظیم ها و جنگسالاران که امروز عامل اصلی بدبختی کشور و ضعف اتوریته دولت شده اند را از دست داده است ولی با آن هم ستراتیژی های مشخص تر دیگر نیز برای مهار آنها هنوز هم پابرجاست، در حالیکه داکتر غنی صرف به دورهمین محور لابی های مافیایی قدرت در حرکت است؛ جلب حمایت ملت را به باد فراموشی سپرده، و این عمل باعث شده تا بین ملت و داکتر غنی هر روز فاصله بیشتر شده برود، در اینجا شمه ای از نارسایی های که صلاحیت های کاری داکتر غنی را زیر سؤال قرار میدهد مختصراً یاد آور میشوم:

- ۱- گسترش ناامنی؛ که ناشی از ضعف سیاست کدري در عرصه خارجی و داخلی و عدم تطبیق قانون از بالا تا پایین در کشور میباشد.
- ۲- میراثی ساختن کرسی های دولت و تفویض رُتب جنرالی به جوانان که هنوز از دهن شان بوی شیر می آید، شخصیت ها را نمیتوان با تفویض رتب، مقام و القابها متباز ساخت و ذریعه آنها اوضاع سیاسی و امنیتی را با ثبات ساخت بلکه بر عکس چنین امتیازات به پسران زورمندان و متنفذین آنعده کادر های که جوانی خود را در خدمت وطن در جنگ و جبهه گذاشته اند و از تجارب خوب برخوردار اند ناامید و دلسرد میسازد، یکی از بدبختی های که امروز دامنگیر ملت ما میباشد این است که در انتخاب شخصیت ها ناکام و بی صلاحیت بوده و همیشه معامگرا نه عمل شده و میشود.
- ۳- سقوط قندوز؛ شکست بزرگ دولت در عرصه سیاسی و نظامی که باعث کشته شدن و زخمی شدن بیش از یک هزار نفر ملکی و ویران شدن صدها خانه، مزرعه ها و بیجاشدن صدها خانواده و کشتن دهها رأس مواشی گردید تلفات اردوملی و پولیس ملی در این ارقام شامل نمیشود.
- ۴- گسترش جرم و جنایت و فساد؛ ناشی از عدم موجودیت مجازات مجرمین، وجود فساد در محاکم و عدم قاطعیت رئیس جمهوری در تأمین عدالت و قانون میباشد، طور مثال قضیه ای فرخنده، قضیه ای خریداری بشقل توسط بسم الله محمدی، اختلاس های وزرات دفاع که در آن نیز دست بسم الله محمدی دخیل است، تجاوزات دسته جمعی بالای دختران در بغلان، تخار، و مزار و غیره جاها، مجازات متهمین سقوط قندوز همه و همه به باد فنا سپرده شده اند.
- ۵- فرار سرمایه ناشی از عدم مواظبت از سرمایه داران و کنترل از سرمایه گذاری ها در چوکات قانون.
- ۶- عدم موجودیت مدیریت سالم و کنترل دوامدار از وظایف سپرده شده به وزارتخانه ها ریاستهای مستقل، ولایات و سایر ارگان های دولتی، خود سری بی بندوباری در وظایف سپرده شده و بی تفاوتی در اجرای مسؤلیت ها توسط مقامات عالی ملکی و نظامی.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- ۷- کمپیوتریزه نکردن موسسات عایداتی کشور مثل وزارت مالیه، گمرکات به شمول گمرکات سرحدی، ریاست ترافیک و در مجموع در تمام سکتورهای امنیتی و اقتصادی کشور.
 - ۸- عدم توزیع تذکره های الکترونیک برای مردان و زنان کشور باید اجباری باشد و تبلیغ وسیع بخاطر گرفتن تذکره الکترونیک از طرف دولت صورت گیرد توزیع تذکره ها در جلوگیری گشت و گذار تروریستان و اتباع بیگانه که در لباس افغانها داخل کشوری شوند فوق العاده موثر است و بالا تقلیل فعالیت تروریستی و تخریبی اثر شایان دارد، که تاکنون توزیع آن صورت نگرفته است.
 - ۹- تاپی چه شد؟ شروع شد و بی سرصدا خاموش گردید تا اکنون کوچکترین اقدام در مورد تشکیل قطعات محافظین امنیتی این پروژه بزرگ عایداتی کشور صورت نگرفته است.
 - ۱۰- خط ریل از طریق آسیای میانه به چین شروع شد در حالیکه مراحل تخنیکي آن باکشورهای که خط ریل از آن عبور میکند انجام نشده بود از این روتا کنون بدون بهره برداری باقی مانده است، خط ریل از واخان بدخشان، آغاز کار مس عینک لوگر فراموش شده است که نهایت ضعف مدیریتی بی تفاوتی و عدم مسئولیت را نشان میدهد برای شروع کار مس عینک لوگر میتوان چند کندک محافظتی خاص در چوکات پولیس و امنیت ملی ایجاد کرد که صرف مسئولیت حفظ این معدن را داشته باشد هم سطح بیکاری را تقلیل میدهد و هم اقتصاد شکوفان میشود.
 - ۱۱- بندر چابهار؛ که میتوانست کشور را از گرو بندر کراچی رها سازد تا هنوز هم به بهره برداری نرسیده است و رنه پاکستان نمیتوانست با بستن سرحد تجار و مردم ما را در مضیقه قرار دهد و دولت را مجبور به تضرع به پاکستان نماید.
 - ۱۲- صرفیه برق؛ جالب آن است که تاهنوز هم مامورین عالی رتبه دولت به شمول معاون اول ریاست جمهوری صرفیه برق شان را نپرداخته، دولت نمیتواند از آنها این پول را حصول کند چون هم کوزه اند و هم گل کوزه و کوزه گر هم ناتوان و بیچاره.
 - ۱۳- عدم پاسخ دهی رئیس جمهور به انتقادات و کارشکنی های که صورت میگیرد طور مثال عبدالله عبدالله، خطاب به اشرف غنی گفت که «اگر کسی حوصله ندارد، لیاقت ریاست جمهوری را هم ندارد» و این سخن عبدالله، با عکس العل تند ارگ مواجه شد ولی داکتر غنی یک کلمه حرف هم در این خصوص در دفاع از خود نگفت لاقلاً نمیتوانست با الفاظ دیپلماتیک در لابلای صحبت ها به آن پاسخ ارایه دارد.
 - ۱۴- تقرر افراد غیر مسلکی و فاقد تخصص که یگانه برتری شان وابستگی به جنگسالاران و منتفذ قومی است باعث شده که جوانان روشنفکرو تحصیل کرده یا از کشور فرار کنند و یا در خدمت جنگسالاران بی سواد و جاهل قرار گیرند این عمل باعث شده که بسیاری از متخصصین و تحصیل کرده ها احساس و خوش و، نداشته باشند ولی بنا به مجبورت و ضرورت باید با روزگار بسازند.
 - ۱۵- سیاست دولت در مورد پاکستان هنوز هم خیرات خواهانه، مقطعی و در نوسان قرار دارد و فاقد قاطعیت و پیگیری موثر در تجرید پاکستان و قلمداد آن منحیت یک کشور تروریست پرور به جهانیان و یا لاقلاً کشور های همسایه است.
 - ۱۶- هفت وزیر که از طرف شورای ملی صلب صلاحیت شدند تا اکنون بر حال اند این چه نوع سیاست کادری و احترام به قانون است، مگر در این کشور تحصیل کرده و مدیر وجود ندارد! این ناتوانی و بی مسئولیتی فاحش در برابر کادرها و اولاد وطن است و بس؟
- یک رئیس جمهور نمیتواند همه وظایف و صلاحیت ها را در انحصار خود داشته باشد چون رسیده گی به همه ناممکن است، ولی میتواند بالای ذره ذره امور کشوری کنترول دقیق داشته آنرا رهبری، مواظبت و از چگونگی اجراءت فرد فرد باخبر و بازخواست کند، این اصل یک مدیریت شایسته و سالم است، در حالیکه هم آقای کرزی و هم آقای غنی در شایسته گی چنین مدیریت ناتوان بوده اند، نارسایی های فوق شاید به نظر کوچک و پیش پا افتاده بیاید ولی همین کمی

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

وکاستی های کوچک از ضعف بزرگ اتوریتۀ رئیس جمهوری ناشی و سرچشمه میگیرند که بالای وضعیت سیاسی، اداری و امنیتی کشور اثر مستقیم دارد، درحالیکه داکتر عبدالله و والیان از عدم داشتن صلاحیت شان در اجرای وظایف حرف میزنند؛ ولی واقعیت این است که داکتر غنی نتوانسته است اقتدار شخصی اش را در چوکات قانون آنطور که لازم است تثبیت و به نمایش بگذارد که ذهنیت های عامه را تحت تأثیر قرار دهد و ملت را در حمایت رئیس جمهور بسیج سازد، کاش رئیس جمهوری نتوانسته بود که صلاحیت ها را در چوکات قانون سلب کند و قانون را یگانه معیار وظیفوی خود قرار داده و دستگاهی تبلیغاتی خویش را آنقدر فعال سازد که فرد فرد کشور از کار کرد سالم و قانونی ریاست جمهوری آگاه شود و آنرا حمایت کند تا به این ترتیب ملت حس کند که کسی است که از حقوق شان دفاع کرده و غموار شان میباشد، چنانچه دیگران عملکرد رئیس جمهوری را سرمشق خود قرار دهند و به شخصیت چنین رئیس جمهوری افتخار کنند ولی با تأسف که کمبود صلاحیت باعث شده رئیس جمهوری محبوبیتی حتی روزهای اول به قدرت رسیدن خود را از دست بدهد و اوضاع امنیتی هر روز به وخامت بگراید اگر جناب رئیس جمهور در برخورد خود به آنچه گفته شد نه باعجله و دشمن تراشی بلکه با فکر مسلکی بازنگری عمیق نکند گامهای متین نه بردارد که این گام ها میتواند وطن را بطرف یک صلح پایدار نزدیک سازد و رئیس جمهوری هم منحصیث یک رهبر تبارز کند در غیر آن ممکن وضع از کنترل خارج و مسئولیت عواقب نامعلوم این نارسایی ها صرف بدوش رئیس جمهوری خواهد بود.

پایان

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ